

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی*

۱۸ جنوری ۲۰۲۱

تحریک به جنگ علیه ایران

حمایت مرکز ستراتیژیک دولت المان به جانبداری از تهاجم نظامی به ایران



مأخذ : Politische Studien 481, Hanns-Seidel-Stiftung

برلین/ واشنگتن/ تهران (گزارش اختصاصی) – المان می باید برای نگرانی از منافع این کشور تحت شرایط ویژه "از ضربه زدن نظامی به ایران حمایت نماید". این خواست آکادمی سیاست امنیتی المان (BAKS) است که مهم ترین مرکز ستراتیژیک این کشور است. به طوری که در یکی از موضع گیری های اخیر BAKS آمده است این می تواند لازمه تمایلات المان به جلوگیری از توسعه جنگ افزار هسته ای در خاورمیانه باشد. پیش زمینه سخن مزبور این است که برلین امیدوار است با همکاری دولت آینده بایدن توافق هسته ای با ایران را مجدداً به کار اندازند تا در ارتباط با آن تهران به چشم پوشی یک جانبه از برنامه های راکتی خویش مجبور گردد. البته روشن نیست که آیا این کار موفقیت آمیز خواهد بود: تهران بتازگی – به جهت اعتراض به قتل یک کارشناس هسته ای خود- غنی سازی اورانیوم را به

بیش از مرز مقرر افزوده است. پشت صحنه این درگیری، زورآزمایی بر سر حاکمیت بر خاورمیانه است که نیروهای غربی می‌کوشند جلوی ایران را بگیرند و از مخالفت عربستان سعودی حمایت می‌نمایند.

دعوا بر سر حاکمیت بر خلیج

هسته این زورآزمایی سرسختانه در خاورمیانه و نزدیک، به طوری که در یک موضعگیری آکادمی سیاست امنیتی المان آمده، درگیری میان عربستان سعودی و ایران بر سر قدرت سیاسی در منطقه است. [۱] علت آن این است که هر دو طرف، مدعی حاکمیت بر خلیج فارس بوده، اما در مقایسه منطقه‌ای، ایران نه تنها دارای ساختار صنعتی پایه ایست، بلکه دارای ملتی است که هم به لحاظ جمعیت و هم به لحاظ آموزش غنی است. علاوه بر آن ایران از سیاست خشونت آمیز غرب در دو دهه گذشته بهره برده است. یکی به خاطر این که رقیب سنتی این کشور، عراق، در سال ۲۰۰۳ نه فقط به لحاظ قدرت سیاسی حذف گشت، بلکه اکثریت جمعیت این کشور شیعه بوده و لذا ایران در بغداد دارای نفوذ است. دیگر این که غرب در سوریه با کوشش سرنگونی بشارالاسد این کشور را هم به مسکو و هم به ایران نزدیک نموده و به شبه نظامیان طرفدار ایران پر و بال داده است و در یمن نیز شبه نظامیان حوثی، از زمانی که در ۲۰۱۵ عربستان علیه آنها آغاز به جنگ نمود، دائم به ایران نزدیک تر گشتند. تهران از سیاست شکست خورده دشمنانش بهره می‌برد.

آرشیوهای قرارداد هسته‌ای

اکنون در سیاست دول غرب و متحدین آنها تحولی دو گونه قابل تشخیص است: از یکسو رئیس جمهور آتی امریکا جو بایدن این برداشت را ایجاد می‌نماید که از سیاست فشار حداکثری که دولت ترامپ دنبال می‌نمود صرف نظر می‌کند و خواهان توافق جدید با ایران است. وزیر امور خارجه آتی امریکا، آنتونی بلینکن، که به عنوان یکی از آرشیوهای توافق هسته‌ای با ایران معروف است نقض آن را از جانب رئیس جمهور امریکا بارها به شدت مورد انتقاد قرار داده است. رئیس کنونی سازمان سیا، ویلیام بُرنز، در سال ۲۰۰۸ تماس‌های محرمانه‌ای را با تهران ایجاد نموده بود و از ۲۰۱۳ تماس‌های مکالماتی برای ایجاد کانال‌های تبادل نظر به وجود آورد – البته در همکاری با جک سولیان که در آینده ریاست شورای امنیت ملی را بر عهده می‌گیرد. [۲] بنا بر نوشته BAKS بدیهی است که دولت بایدن تمامی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را فعال نخواهد ساخت. زیرا ایران در این بین در سال‌های گذشته توانسته است موقعیت خویش را علی‌رغم تحریم‌های امریکا تقویت نماید. ایران، هم توانسته است اقدامات راکتی خود را موقفانه به پیش برد و هم توانسته است روابط خویش را با شبه نظامیان در چندین کشور منطقه – از عراق گرفته تا لبنان و یمن – نیز تقویت نماید. لذا در معاملات آتی می‌باید ایران را به عقب نشینی از این پیشرفت‌ها وادار نمود.

اتحاد علیه تهران

از سوی دیگر مخلفان منطقه‌ای ایران در هفته‌ها و ماه‌های گذشته موفق گشتند بیش از پیش با یک دیگر متحد گردند. بدین ترتیب نه تنها شورای هماهنگی خلیج که اتحاد میان عربستان سعودی با امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و عمان است با اعلام اخیر پایان دادن به محاصره قطر از جانب ریاض و ابوظبی دوباره دارای توان عمل مشترک گشته است. به ویژه عادی سازی ارتباط میان اسرائیل از یک سو و امارات متحده عربی و نیز بحرین از سوی دیگر موجب ایجاد جبهه‌ای در خاورمیانه علیه ایران گشته است. عربستان سعودی البته هنوز ارتباط خویش با اسرائیل را

رسماً عادی نساخته است، اما به طور غیر رسمی مدتهاست بدان سو در حرکت است.[۳] به طوری که گیدو شتاینبرگ، مؤلف موضعگیری BAKS و نیز کارشناس امور خاورمیانه در بنیاد علم و سیاست (SWP) ارزیابی می نماید، برای کشورهای خلیج، اسرائیل بدین دلیل جالب است که با عملیاتی نظیر قتل هدفمند جنرال محسن فخری زاده در نومبر ۲۰۲۰ که عامل کلیدی در برنامه هسته ئی ایران بود نشان داده است که "آماده بوده و در موقعیتی است که تمام امکانات خود را برای جلوگیری از مجهز گشتن ایرن به تسلیحات هسته ئی به کار گیرد.[۴]

آخرین پنجره زمانی

وزیر امور خارجه المان هیکو ماس از زمان پیروزی انتخاباتی جو بایدن بیشتر بر این تأکید دارد که قرارداد هسته ئی با ایران مجدداً به حالت عادی در آید. به گفته ماس در ماه دسمبر "فرصت هائی که اکنون ایجاد گشته اند" آخرین پنجره زمانی است و آن را "نباید از دست داد".[۵] بدیهی است که قتل فخری زاده امکان مزبور را ضعیف ساخته است؛ تهران در عکس العمل به این که شهروندانش در عمل بدون تلافی شکار گردند، آغاز نمود به غنی سازی اورانیوم در تأسیسات خود، تا به ۲۰ درصد.[۶] علاوه بر آن ایران نمی تواند بر این فرض بنا کند که توافق جدید در زمینه قرارداد هسته ئی پس از انتخابات ۲۰۲۴ امریکا همچنان دوام خواهد داشت. به قضاوت BAKS در صورتی که به مذاق برنده انتخابات مزبور آن قرارداد خوش نیاید، می تواند تعهد مربوطه را همانند ترامپ سرخود بشکند. به همین جهت "باز هم مشکل تر" خواهد گشت که تهران را برای پذیرش موارد دیگری قانع ساخت.

منافع المان

در این موقعیت BAKS نه فقط بر این تأکید می نماید که برلین باید در مذاکرات احتمالی در زمینه قرارداد هسته ئی بی تأمل "از دولت بایدن حمایت نماید".[۸] بلکه از دولت المان همچنین انتظار می رود که خود را "برای گزینش های احتمالی نیز که در آنها هیچ راه حلی یا راه حل کوتاه مدتی حاصل نگردد آماده سازد". در این صورت می باید "راهکار درازمدت برای ممانعت ایران اتخاذ گردد که فقط در صورتی قابل اجراء است که امریکا با متحدین اروپائی اش و کشورهای منطقه طرفدار غرب به همکاری نزدیک بپردازند". برای این همکاری اما "صادرات اسلحه به ممالک دارای اشکال مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی" ضروری است. توقف این صادرات تسلیحاتی را بتازگی کارشناسان بنیاد علم و سیاست لازم دانسته اند.[۹] به جز این مورد، مطابق موضعگیری BAKS "منافع محوری المان" باید در این دیده شود که از مسلح گشتن کشورهای خاورمیانه به اسلحه هسته ئی جلوگیری گردد. نتیجه ضروری این "تعریف منافع" می تواند "در نهایت این باشد که از ضربه احتمالی نظامی امریکا و اسرائیل به ایران حمایت گردد".[۱۰] در این صورت ایران چهارمین کشوری خواهد بود که عرض کمتر از دو دهه، غرب، یا از طریق جنگ (عراق و لیبیا) یا با تحریکات نظامی (سوریه) منهدم می سازد.

پاورقی ها

[1] Guido Steinberg: Kalter Krieg im Nahen Osten. Der iranisch-saudische Konflikt dominiert die Region. BAKS-Arbeitspapier 1/21. Berlin, Januar 2021.

[2] Majid Sattar: Diplomatische Geheimwaffe. Frankfurter Allgemeine Zeitung 13.01.2021.

[3] Gudrun Harrer: Saudis rechnen mit dem toten Arafat ab. derstandard.de 15.10.2020.

[4] Guido Steinberg: Kalter Krieg im Nahen Osten. Der iranisch-saudische Konflikt dominiert die Region. BAKS-Arbeitspapier 1/21. Berlin, Januar 2021.

[5] Maas sieht "letztes Zeitfenster" für Atomabkommen mit Iran. dw.com 21.12.2020. S. auch [Die nächste Runde im Atomstreit mit Iran](#).

[6] Iran reichert Uran höher an. Frankfurter Allgemeine Zeitung 05.01.2021.

[7], [8] Guido Steinberg: Kalter Krieg im Nahen Osten. Der iranisch-saudische Konflikt dominiert die Region. BAKS-Arbeitspapier 1/21. Berlin, Januar 2021.

[9] S. dazu Die [Militarisierung der arabischen Außenpolitik](#).

[10] S. dazu Guido Steinberg: Kalter Krieg im Nahen Osten. Der iranisch-saudische Konflikt dominiert die Region. BAKS-Arbeitspapier 1/21. Berlin, Januar 2021.

*- برگرفته از سازمان مراقب سیاست خارجی المان – ۱۵ جنوری ۲۰۲۱

/https://www.german-foreign-policy.com/news/detail/8488